

بررسی و حل مشکلات عاطفی و رفتاری دانش آموزان مقطع ابتدایی دبستان حضرت رقیه (س)

شیرین دشتی

کارشناس تربیت بدنی و علوم ورزشی، آموزگار مقطع ابتدایی دبستان حضرت رقیه (س)
آموزش و پرورش شهرستان گیلانغرب

چکیده

یکی از این مسائل و مشکلات، کار با دانش‌آموزانی است که دچار اختلالات رفتاری و عاطفی هستند. این گروه از دانش‌آموزان نمی‌توانند در مدرسه براساس هنجارها رفتار کنند. آموزگاران و دبیران امروزی با مسائل پیچیده‌ای روبه‌رو هستند که در گذشته رواج کمتری داشته است. یکی از این مسائل و مشکلات، کار با دانش‌آموزانی است که دچار اختلالات رفتاری و عاطفی هستند. این گروه از دانش‌آموزان نمی‌توانند در مدرسه براساس هنجارها رفتار کنند و در نتیجه بر عملکرد آموزشی تاثیر نامطلوبی بر جای می‌گذارند.

کلید واژگان: مشکلات عاطفی، رفتاری، دانش‌آموزان، ابتدایی، دبستان حضرت رقیه (س)

مقدمه

اصولا مهارت های اجتماعی، مهارت هایی هستند که به دانش آموزان کمک می کنند با دوستان و اشخاص مهم زندگی خود روابط خوشایندی داشته باشند. دانش آموزانی که از مهارت های اجتماعی مطلوب برخوردارند، می توانند با دوستانشان بخوبی کنار بیایند و حال آن که دانش آموزانی که فاقد این مهارت ها هستند، منزوی می شوند و نمی توانند با دیگران روابط مناسبی برقرار کنند. اقدامات مساله دار دانش آموزانی که با اختلالات عاطفی و رفتاری مواجه هستند، اغلب به این دلیل است که در زمینه مهارت های اجتماعی با مشکل روبه رو هستند. برخی از آنها نمی دانند چگونه می توانند با سایر همکلاسی های خود صحبت و ارتباط موثر برقرار کنند. به همین دلیل آموزگاران این دسته از دانش آموزان مشکل دار، پیوسته به این مهم اشاره می کنند که آنان در تمام زمینه های مهارت های اجتماعی ضعیف تر از سایر دانش آموزان مقطع ابتدایی ظاهر می شوند و با توجه به این نکته مهم که داشتن صلاحیت در مهارت های اجتماعی برای آینده این دانش آموزان مقطع ابتدایی اهمیت فراوان و تعیین کننده ای دارد، بسیاری از روان شناسان و دست اندرکاران امور آموزشی مسلط شدن به مهارت های اجتماعی برای دانش آموزان مقطع ابتدایی دبستان حضرت رقیه (س) را که با مشکلات عاطفی و رفتاری روبه رو هستند، بسیار موثر می دانند. همچنین این متخصصان بر این باورند اخراج شدن از مدرسه و اقدام به جرم که این دسته از دانش آموزان مقطع ابتدایی درگیر آن هستند، در نتیجه روابط میان شخصی این دانش آموزان است که مورد قبول و پسند دوستان و همکلاسی هایشان قرار نمی گیرند. به دلیل اهمیت مهارت های اجتماعی برای این گروه از دانش آموزان در دهه گذشته، روش های مختلفی برای بهبود مهارت های اجتماعی شان ابداع شده است، اما اغلب این روش ها به این دلیل که نتوانسته اند رفتارهای مورد نظر را ایجاد کنند؛ مفید نبوده اند. در مواردی هم به آموزگاران این دسته از دانش آموزان انتقاد شده است که مهارت های اجتماعی معتبر و مورد قبول جامعه را آموزش نمی دهند و آموزگاران از این مساله غافلند که آموزش مهارت های اجتماعی به اندازه تدریس سایر دروس از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در زمینه بهبود رفتار این دسته از دانش آموزان، آموزگاران باید به این نکته اساسی توجه داشته باشند که وقتی فضای کلاس درس مثبت و حمایتگرانه باشد، وقتی دانش آموز احساس کند که به عقایدش بها می دهند و وقتی به دانش آموز احساس تعلق خاطر می دهید و وقتی به او تکالیف درسی معنی دار و توأم با چالش می دهید؛ به طوری که دانش آموز با انجام آنها احساس موفقیت می کند، می توانید به بسیاری از کودکان و نوجوانانی که با اختلالات عاطفی و رفتاری روبه رو هستند، کمک کنید تا به عزت نفس، رفتار و انگیزه بهتری برای یادگیری برسند. اما برخی دانش آموزان مقطع ابتدایی دبستان حضرت رقیه (س) نمی دانند چگونه رفتار کنند.

بیان مسأله :

با دانش آموزان دچار مشکلات عاطفی چگونه رفتار کنیم؟

دانش آموزانی با کاستی های توجه، دانش آموزان مقطع ابتدایی دبستان حضرت رقیه (س) افسرده، دانش آموزان ضداجتماعی و ... جزو این گروه هستند. در واقع این دانش آموزان از خود رفتارهایی بروز می دهند که ممکن است براحتی زمان و انرژی زیادی از آموزگار را هدر دهد، با این حال هنوز هم بسیاری از متخصصان بر این باورند که آموزگار مهم ترین عامل تعیین کننده کیفیت برنامه های آموزشی برای دانش آموزانی است که با اختلالات رفتاری و عاطفی روبه رو هستند و می توانند در آموزش به این دانش آموزان مقطع ابتدایی دبستان حضرت رقیه (س) نقش اصلی را ایفا کنند. آنان مسوول تهیه برنامه درسی، تعیین هدف های دانش آموزان و تشویق و تدارک آنها برای رسیدن به این اهداف هستند.

می توان گفت به دلیل مشکل دار بودن این دسته از دانش آموزان، آموزگاران باید الگوی رفتاری مناسب برای آنان باشند. آموزگاران باید رفتار مهرانگیز، مودبانه و دوستانه ای را به نمایش بگذارند. همه دانش آموزان در جریان درس خواندن و یادگیری

باید احساس سلامت، ایمنی و حمایت کنند و در این میان دانش آموزانی که با اختلالات عاطفی و رفتاری روبه رو هستند و اغلب زندگی آشفته ای دارند، باید بیشتر مورد حمایت قرار گیرند.

اهداف تحقیق:

برای ایجاد رابطه دوستانه و موثر با این دانش آموزان، لازم است به صحبت های آنها گوش بدهید و برای احساساتشان ارزش قائل شوید، سعی کنید حتی اگر روزی چند دقیقه و یا چند لحظه هم که شده، با این دانش آموزان مقطع ابتدایی دبستان حضرت رقیه (س) به طور انفرادی و خصوصی صحبت کنید.

تبسم کردن، چشمک زدن و حالت جسمانی شما دانش آموز را مطمئن می سازد که شما او را دوست دارید. به کارهایش بها می دهید. توجه داشته باشید برای این دانش آموزان مقطع ابتدایی دبستان حضرت رقیه (س) مهم نیست که شما چقدر می دانید، مهم این است که چقدر به آنها توجه دارید.

در حال حاضر متخصصان بر این باورند که آموزگاران دانش آموزان بدرفتار و کودکانی که با اختلالات عاطفی روبه رو هستند، باید از مهارت های اجتماعی سطح بالا برخوردار باشند. باید با دانش آموزانگرم و دوستانه حرف بزنند برای دانش آموزان این باور را ایجاد کنند که آنها انسان هایی مقبول و پذیرفتنی هستند.

به طور کلی آموزگاران شایسته در برخورد با این دسته از دانش آموزان از مهارت های ارتباطی و رابطه زیر برخوردارند:
- به جنبه های مثبت دانش آموز بها می دهند. به جای این که به دانش آموز بگویند چه نباید بکند، تاکیدشان بر این است که چه باید بکند.

- رفتار دوستانه دارند، با شاگردان گرم و صمیمی صحبت می کنند و علایق و سرگرمی هایشان را با دانش آموزان سهیم می شوند. البته این به آن معنا نیست که اسرارشان را با آنها در میان بگذارند.

- به صحبت های دانش آموزان همدلانه گوش می کنند وقتی دانش آموزی صحبت می کند با توجه کامل به او گوش می دهند و سعی می کنند احساسات او را درک کنند.

- آموزگار خوب الگوی شایسته دانش آموز است و رفتاری مودبانه از خود نشان می دهد. وقتی دانش آموزی ادب را رعایت نمی کند، آموزگار باید مودبانه با او حرف بزند.

- آموزگار خوب به دانش آموز می گوید و تفهیم می کند که به او اعتماد دارد. به او می گوید که او را دانش آموزی خوب، مودب و درسخوان می داند.

در نتیجه می توان گفت، آموزگاران موثر خود را در قبال عملکرد دانش آموزان در کلاس درس مسوول می دانند و با آنها کنار می آیند. به جای این که موفقیت دانش آموز یا شکست او را به کودک یا خانواده او نسبت دهند، به مهارت های خود متکی می شوند و به دانش آموزان راهنمایی های کیفی می دهند و برنامه درسی مناسبی برای افزایش موفقیت های دانش آموزان تدوین می کنند. از جمله این مهارت ها و رفتارها، استفاده آموزگار از زمان و الگوی آموزشی موثر است که می تواند به یادگیری بیفزاید. آموزگاران موثر و کارآمد برای افزایش یادگیری دانش آموزان مقطع ابتدایی دبستان حضرت رقیه (س) زمان را سازمان بندی می کنند. برنامه ریزی باید به گونه ای باشد که هر مبحث درسی در کوتاه ترین زمان ممکن فرا گرفته شود و لازمه این مهم آن است که آموزگاران در انتخاب و دسته بندی مطالب درسی کوشش کنند. از آن گذشته، آموزگاران باید اهداف هر موضوع درسی را با دانش آموزاندر میان بگذارند و مهارت های اصلی و اصول مهم درسی را بروشنی توضیح دهند.

دانش آموزانی با مهارت های اجتماعی ضعیف

بسیاری از دانش آموزان مقطع ابتدایی دبستان حضرت رقیه (س) نمی توانند رفتارشان را کنترل کنند. بسیاری از دانش آموزانی که به حد کافی رشد نکرده و به بلوغ لازم نرسیده اند، ممکن است حواسشان پرت شود، ممکن است توانایی های شناختی و مهارت های کلامی شان زیاد نباشد. این دانش آموزان خیلی ساده، نمی توانند در مدت طولانی تکانه های خود را کنترل کنند. وقتی این

بچه ها به حد کافی رشد نکرده و به بلوغ لازم نرسیده باشند، نمی توانند رفتارشان را کنترل کنند. وقتی این دانش آموزان هنوز درست رفتار کردن را نیاموخته باشند، آموزگاران باید در نقش راهنمای آنها ظاهر شوند تا آنان مسوولیت رفتار نادرست خود را به عهده بگیرند و در ضمن رفتارها و مهارت های اجتماعی سالم تر را نیز به آنها آموزش دهند.

درخصوص بهبود رفتار این دسته از دانش آموزان، اغلب آموزگاران معتقدند باید با به کارگیری تقویت مثبت بر رفتارهای متناسب این دانش آموزان بیاورند. تقویت مثبت رفتار متناسب زمانی مصداق پیدا می کند که پس از دادن محرک، دانش آموز رفتاری را به نمایش بگذارد که در آینده آن رفتار را بیشتر تکرار کند. این نوع تقویت از آن رو موثر است که دانش را به امتیاز بالاتری سوق می دهد و در مواقعی به آنها امتیازی می دهد. تقویت منفی این دانش آموزان نیز به این معناست که وقتی دانش آموز کار درستی انجام می دهد، آموزگار او را از کار یا وظیفه ای معاف می کند. تقویت منفی نیز باعث افزایش رفتار متناسب می شود زیرا دانش آموز را از انجام کاری که ناخوشایند است، معاف می کند.

پس آموزگاران باید این نکته را در نظر بگیرند که هم تقویت مثبت و هم تقویت منفی، هر دو می توانند رفتار مناسب را افزایش دهند و نقش مهمی در بهبود رفتار دانش آموزان مشکل دار دارد.

آموزگاران نیروی مقابله با خشونت دانش آموزان

آموزگاران که مدرس دانش آموز بدرفتار و کودکان و نوجوانانی هستند که با اختلالات عاطفی متعدد مواجه اند، با مشکلات زیادی روبه رو می شوند. بد رفتاری دانش آموزان تحت تاثیر عوامل گوناگونی صورت می گیرد، اما به هر حال شرایط ایجاب می کند که آموزگاران به شکلی موثر با این بد رفتاری ها برخورد و در هر مورد تصمیم گیری کنند. اما هر یک از این تصمیمات برای دانش آموزان مقطع ابتدایی دبستان حضرت رقیه (س) و آموزگاران عواقب و پیامدهایی دارد که روی روابط آینده میان آموزگار با دانش آموز و افراد خانواده او تاثیر می گذارد. امروزه متخصصان به این فکر افتاده اند که از آموزگاران در نقش نیرویی برای مقابله با خشونت های این دانش آموزان استفاده کنند. به همین دلیل مثلا وقتی دانش آموز احساس اضطراب و ناراحتی می کند به آموزگاران توصیه می شود که با او رفتاری همدلانه داشته باشند و سعی کنند منبع ناراحتی او را بیابند.

توصیه می شود که در این زمان از داوری و انتقاد دانش آموز خودداری و به جای آن از عبارات حمایتگرانه استفاده کنند. اگر دانش آموز صدای اعتراض را بلند می کند و پرخاشگرانه حرف می زند، نشانه آن است که خویشتن داری خود را از دست داده و در این زمان جدا کردن دانش آموز از دیگران و وضع محدودیت های مشخص و معین و طرف صحبت نشدن با او و همچنین خودداری از مجادله و مناظره توصیه می شود. معمولا خودکشی تراژدی تاسف بار دیگری است که بسیاری از آموزگاران با آن مواجه می شوند. متأسفانه نوجوان هایی که با اختلالات رفتاری و عاطفی مواجه هستند بخصوص دختران نوجوان بیش از دیگران به فکر خودکشی می افتند. آموزگاران که به نوجوان های مساله دار درس می دهند، باید به این موضوع توجه داشته باشند که دانش آموزان مقطع ابتدایی دبستان حضرت رقیه (س) و نوجوان ها ممکن است در اندیشه خودکشی باشند و در این میان نوجوان هایی که در خانواده شان سابقه بیماری روانی، استعمال مواد مخدر و خودکشی وجود داشته است و نیز کسانی که در کنار پدر و مادر خود نیستند و زندگی نومید کننده ای دارند، با احتمال بیشتر اقدام به خودکشی می کنند. پس لازم است که در صورت نیاز آموزگاران مراتب را با روان شناسان، مشاوران و دیگر دست اندرکاران مدرسه در میان بگذارند و گوش به زنگ شنیدن حرف های این دانش آموزان درباره اقدام به خودکشی باشند و این نکات را کاملا جدی بگیرند. بطور مشخص می توان گفت؛ آموزگاران در زمینه دارودرمانی دانش آموزان مساله دار نقش موثری ایفا می کنند.

آموزگاران بویژه باید به تغییرات رفتاری و عوارض جانبی دارودرمانی توجه داشته باشند. در اغلب مواقع از دارو برای کنترل رفتار دانش آموز استفاده می شود. بسیاری از دانش آموزان که با مشکل تمرکز حواس روبه رو هستند یا با فزونکاری جسمانی مواجه اند، دارو مصرف میکنند. این آرامبخش ها دانش آموزان مقطع ابتدایی را آرام و از شدت فعالیت آنها می کاهد. از آن گذشته داروهای ضد اضطراب و نیز داروهای درمان کننده روان پریشی برای آرام کردن دانش آموزان مقطع ابتدایی مساله دار تجویز می شود. در این

میان وظیفه آموزگار در قبال دانش آموزانی که تحت دارودرمانی هستند، این است که مراقب رفتار آنها باشند و به تاثیرات دارو و عوارض جانبی ناشی از آن توجه کنند.

روش های شناسائی و حل مشکلات رفتاری دانش آموزان در آموزشگاه های فاقد مشاور پی گیری مسائل تربیتی و شناسائی مشکلات رفتاری دانش آموزان از فعالیت های مهم و موثر عوامل اجرایی هر آموزشگاه می باشد .

تلاش درجهت بالابردن توان علمی ، مطالعه کتب مناسب ، استفاده از تجربیات و یافته های محققین ، پی گیری و ایحاد ارتباط های سازنده و موثر می تواند زیر ساز مناسبی را برای این خدمت ذیقیمت فراهم سازد . برای انجام یک فعالیت قوی و سیستمی در مدارس لازم است ستادی تحت عنوان " ستاد تربیتی " از عوامل اجرایی و دبیران علاقه مند بوجود آید . این ستادکار رسمی خود را با تقسیم فعالیت ها در اولین نشست آغاز خواهد نمود.

اولین اقدامات برای شروع فعالیت به قرار زیر است :

الف : تهیه شناسنامه تربیتی از دانش آموزان مقطع ابتدایی دبستان حضرت رقیه (س) این فعالیت پس از آموزش های لازم به دبیران و آموزگاران هر کلاس واگذار می گردد تا ضمن توزیع فرم های لازم دانش آموزان مقطع ابتدایی را بصورت مرحله ای با تکمیل فرم آشنا نموده و پس از تکمیل فرم توسط دانش آموزان مقطع ابتدایی آنها را در پوشه های جداگانه ای تنظیم نمایند. در ابتدای این مرحله ، اصل راز داری در فعالیت های مشاوره ای بیان خواهد شد و به دانش آموزان مقطع ابتدایی اطمینان می دهیم که تمامی نوشته ها و گفتگو های مشاوره ای آنان محرمانه تلقی خواهد شد .

ب : مطالعه دقیق شناسنامه های تربیتی توسط اعضاء مشخص شده ستاد ستاد با توجه به تقسیم فعالیت ها ، مطالعه ، بررسی و پی گیری رفتار ها و مشکلات دانش آموزی هر کلاس را به فردی توانا و علاقه مند واگذار می نماید. این همکار موظف می شود ، پرونده های تربیتی را دقیقاً مطالعه نموده و نکات قابل توجه و نیازمند به پی گیری را مشخص و مکتوب نماید .

ج : تنظیم جدول زمانی برای جلسه های مشاوره ای از بین دانش آموزان مقطع ابتدایی هر کلاس تعداد محدودی بصورت اضطراری ، نیاز به مشاوره و پی گیری مشکلات رفتاری دارند ، این دانش آموزان مقطع ابتدایی در پرونده های تحصیلی خود به نکاتی اشاره می نمایند که لازم است مورد واکاوی و بررسی قرار گیرد و روشهای حل مشکل برای این عزیزان تدوین و پیشنهاد گردد. نتایج اقدامات و پی گیری ها هم بصورت خلاصه در پرونده دانش آموزی درج می گردد.

د : دریافت گزارش مشکلات رفتاری توسط اعضاء ستاد گاهی دانش آموزان مقطع ابتدایی در پیام و بیانات خود مشکلات رفتاری خاصی را بیان می کنند که لازم است مورد بررسی قرار گیرد و پس از آگاهی به جوانب مختلف مشکل در صورت امکان نسبت به حل آن اقدام گردد. چنانچه حل مشکل اعلام شده به هم فکری و مساعدت همکاران محتاج باشد ، لازم است ، طرح مشکل بدون نام در جلسه ستاد مطرح و از هم فکری همکاران در چگونگی حل مشکل بهره لازم را داشته باشیم .

ه : تشکیل جلسات ماهانه و اضطراری اعضاء ستاد هر ماه گرد هم خواهند آمد تا در جهت بهینه سازی موقعیت آموزشگاه تصمیمات مناسبی داشته باشند، لحظاتی از زمان جلسه به بیان مشکلات جاری و درخواست راه حل های مناسب اختصاص خواهد یافت . در این جلسات پس از تبیین مشکلات مبتلا به دانش آموزان) ، مناسب ترین روشهای حل مشکل را انتاب و مسئولیت اجرای مصوبه به عهده یکی از اعضا واگذار می گردد .

و : گزارش مشکل به هسته مشاوره تربیتی شهرستان پس از اجرای روش های تربیتی و استفاده از نظرات تخصصی همکاران و متخصصین ، چنانچه مشکل دانش آموز مرتفع نگردد ، لازم است گزارش کوتاه و مناسبی از چگونگی شناسائی و برخورد با مشکل و نتایج بوجود آمده بصورت مکتوب تنظیم و به هسته گزارش شود تا اعضاء هسته نسبت به اختصاص نوبت برای مراجع و بررسی تخصصی تر موضوع لحاظ و اعلام نمایند .

ز : ارسال گزارش فصلی و سالانه به هسته مشاوره در جهت بررسی آماری و تحلیلی مشکلات تربیتی لازم است مشکلات تربیتی جمع بندی و بدون ذکر نام به هسته مشاوره اعلام گردد، تا محققان این مرکز بتوانند با اشراف مناسبی چرایی بروز مشکلات را مورد بررسی قرار دهند .

اعضاء هسته مشاوره شهرستان پس از جمع آوری آماری مشکلات با برگزاری جلساتی ابعاد بروز مشکل و چگونگی برخورد مناسب با مشکلات را مورد نقد و بررسی قرار می دهند و در صورت نیاز راهکارهایی را بصورت بروشور و مقاله های تخصصی تنظیم و تحویل به اعضاء ستاد تربیتی آموزشگاهها خواهند نمود و همزمان جمع بندی آماری مشکلات را برای بررسی های تخصصی تر به استان ارسال خواهند نمود .

روش های حل مشکلات رفتاری مجموعه مشکلات دانش آموزی در دو طیف وسیع جای می گیرد:

۱- مجموعه مشکلاتی که ناشی از ذهنیت و بینش خاص افراد می باشد .

۲- مجموعه مشکلاتی که منشاء محیطی داشته و زندگی فرد را تحت تاثیر قرار می دهد .

مشکلات ردیف اول (مشکلات کارکردی مبتنی بر بینش دانش آموز) معمولاً نیازمند آن است که ارتباط مؤثر و مفیدی بین همکار و دانش آموز برقرار شود و پس از جلب اعتماد ، تجزیه و تحلیل دانسته ها و گرایش های دانش آموز آغاز گردد . هدف اصلی آن است که بینش های دانش آموزانکه منجر به نوعی رفتار خاص می شود مورد بررسی قرار گیرد و تفکراتی که منشاء بروز مشکل می شوند مورد تجدید نظر قرار گیرند .

در جهت ریشه یابی و حل مشکلات رفتاری ، اقدامات ذیل می تواند بینش و نگرش دانش آموزان مقطع ابتدایی دبستان حضرت رقیه (س) را تحت تاثیر قرار دهد تا منجر به تحولاتی در اصلاح علایق و گرایش های آنان شده و نهایتاً تغییر رفتار آنان را فراهم سازد . بینش و نگرش در مواردی که دید گا های اعتقادی فرد دچار نقص و کاستی شده و باید با ارائه دانسته های مناسبی همراه با برخوردی مثبت و منطقی ترمیم شود و اصلاحات لازمی جهت پالایش عقاید نادرست صورت گیرد، تا شک و شبه های ذهنی فرد را برطرف ساخته و تغییر بینش و نگرش در تفکر مناسبی جایگزین یافته های غیر منطقی و احساسی وی گردد. نمونه هایی که مشکل متاثر از بینش و نگرش نادرست فرد باشد و ذهنیت فرد باعث گردد رفتاری متضاد جلوه نماید ، لازم است به روش های مناسبی دیدگاه فرد دگرگون شده و اقدام به تغییر بینش نادرست گردد ، تا نگرش درست و مناسبی رفتار بهینه فرد را به دنبال داشته باشد. در این موقعیت باید توجه داشته باشیم که منتظر تغییر رفتار فوری فرد نباشیم ، بلکه زمینه تعادل و هماهنگی درونی او را نیز باید مد نظر داشته باشیم . تثبیت بینش و نگرش مشکل تعدادی از دانش آموزان مقطع ابتدایی پیچیده تر خواهد بود ، اینها در لفظ همان عقیده درست را بیان خواهند نمود ولی این بیان اعتقاد قلبی و درونی آنان نخواهد بود. بینش درست و بیان مناسب این گروه را باید تایید کرد و در پی شناخت انگیزه رفتاری آنان بود که علیرغم آگاهی به پی آمد های رفتار نمود متفاوتی را ارائه می نمایند .

کمبود های شخصیتی ، مخالفت نمائی ، مقاومت و ... می تواند دلیل رفتار های معکوس آنان باشد لذا باید با پشتیبانی عاطفی و برخورد های صادقانه آنان را زیر پوشش گرفت و در بسیاری از مواقع آنان را تایید و همراهی نمود تا رفتار صحیح آنان متجلی شود. درصد بالائی از مشکلات رفتاری دانش آموزانبه کمک چنین روش هایی مرتفع خواهد شد ، شناخت روحی و روانی نوجوان و جوان ، صبر و حوصله متربیبان همراه با گذشت و تعافل رمز حل مشکلات فوق است . مشکلات ردیف دوم (مشکلات ناشی از عوامل محیطی) زمان بیشتری را به خود اختصاص می دهد ، زیرا اصلاح و تغییر رفتار دانش آموزان به جهت تغییر عوامل محیطی نیاز به فراخوانی اولیاء ، هماهنگی و پیگیری های جدی داشته ، برخورد و هدایت بزرگسالان ، ظرائف و اقدامات ویژه ای را طلب می نماید ، بدیهی است که چنین گروهی به علت مشغله های فراوان و شکل گیری رفتار های گونه گون دیر تر به پذیرش توصیه های مشاوران اقدام می نمایند و این موضوع روند حل مشکل را کند تر خواهد نمود . در این نوع مشکلات پس از بررسی های لازم و یافتن منشاء مشکل در صدد ازبین بردن ریشه ها و رفع موانع خواهیم شد . چنین فعالیتی نیاز به وقت ، انرژی و توان مندی های

مالی دارد، داشتن مددکاران مجرب و متعهد، استفاده از توان نهادهای سازمان‌های حمایتی و ... هماهنگی و تلاش ویژه‌ای را طلب می‌نماید. گاهی علیرغم استفاده از توان موجود به عوامل اثرگذار خارج از محدوده مسئولیت برخورد نموده، در موقعیتی قرار خواهیم گرفت که نتیجه فعالیت‌های ما تحت تاثیر عوامل مخربی قرار گرفته، رضایت بخشی خود را از دست خواهد داد، و چنین تلقی خواهد شد که در زمینه حل پاره‌ای از امور به بن بست رسیده ایم. در این اوقات بیان ما این است که تعدادی از والدین زمینه‌های اصلاح و تغییر خود را از دست داده‌اند و یا امکان پذیرش هدایت‌های مشاوران وجود نخواهد داشت و شاید بیان کنیم که امکان برقراری ارتباط موثر و موفق با چنین والدینی غیر ممکن خواهد بود.

• برآستی چه باید کرد؟

• آیا در این زمینه راه حل خاصی وجود دارد؟

• در صورت عدم ارتباط با والدین کودک مشکل آنان چگونه مرتفع خواهد شد؟

در چنین مواقعی، باز هم به سمت دانش آموز خواهیم رفت تا در جهت ایجاد نگرش‌های موثر و ساخت ذهنیت مناسب او نقش ویژه‌ای داشته باشیم. اینجاست که اهمیت ایجاد نگرش و فضا سازی مناسب برای قبول موقعیت‌های خاص جایگاه واقعی خود را نشان خواهد داد، و به همین جهت است که راه حل پیشنهادی ذیل می‌تواند یاور ما در حل مشکلات مبتلابه دانش آموزان باشد. ایجاد نگرش و فضا سازی مناسب برای قبول موقعیت‌های خاص اعتقاد این است چنانچه بتوانیم در موقعیت‌های خاص، تعادل روانی افراد را حفظ کنیم و یا ظرفیت و توان برخورد با مصائب و مشکلات را در آنها ارتقاء دهیم، یاور خوبی برای حل مشکلات آنان خواهیم بود. مراجعان در این موقعیت‌ها توانائی آن را خواهند داشت که در جهت حل مشکلات تصمیم‌های عاقلانه‌ای داشته باشند و یا اینکه بگونه‌ای با مشکل موجود هماهنگ شده و اهتمام خود را در جهت کاهش عواقب آن مشکل به کار گیرند که به هر صورت سازمان روانی انسان در مسیر خطر قرار نخواهد گرفت. استدلال علمی و زیر ساخت تجربی این روش بدین گونه بیان خواهد شد. تعادل در ساخت رفتاری انسان یعنی اینکه فرد در موقعیت‌های جدید، سازمان روانی خود را بگونه‌ای وارد عمل نماید که در برابر هر پدیده و موقعیت زمانی و مکانی بهترین واکنش و عکس‌العمل را از خود بروز دهد و پس از آن به رضایت نسبی از رفتار خود نائل شود.

از آنجا که تعادل روانی انسانها تحت تاثیر توان و ظرفیت وجودی آنان قرار می‌گیرد، در صورتی که فرد از ظرفیت روانی بالائی برخوردار گردد به چنین توانی دست خواهد یافت. ظرفیت روانی نگرش و مورد بحث از مؤلفه‌های ذیل تشکیل خواهد شد. توان علمی و آگاهی کسب شده ظرفیت روانی ظرفیت روانی در این تجربه پژوهشی عامل وراثت بینش آدمی (اعتقادات) عبارت است از نیرو و توانی که متأثر از گرایش‌ها و بینش‌های افراد بوده و همراه با آگاهی‌ها و توان علمی موجود می‌تواند سازمان روانی انسان را بگونه‌ای تجهیز کند که در برابر هر موقعیت جدید بهترین تصمیم‌گیری را داشته باشد و پس از بروز رفتار به رضایتی نسبی از عملکرد خود دست یابد، بگونه‌ای که هیچ تنش و فشاری در او به وقوع نپیوندد. ظرفیت روانی مطرح شده در این دیدگاه متأثر از مولفه‌های فوق بوده، هرچه سطح مؤلفه‌ها بالاتر باشد فرد در تصمیم‌گیری خود توانمندتر خواهد بود و این توان به سازگاری بیشتر او کمک خواهد نمود. زمانی که یاری و مساعدت ما ظرفیت روانی فرد را ارتقاء دهد، تغییر ذهنیت او باعث آن خواهد شد که با دیدی مثبت و منبعث از تفکر و تعقل به مسائل و مشکلات مبتلابه خود نظاره نماید و زمینه مناسب تری برای حل مشکل خود پدید آورد که خود ابزار مهمی در پیشگیری مسائل و مشکلات خواهد بود. از آنجا که عمده مصائب و مشکلات انسان از جهل و ضعف اطلاعات و آگاهی‌های وی نشأت می‌گیرد، از طرفی بینش و نگرش‌های منفی، باعث عکس‌العمل غیر عاقلانه آدمی می‌شوند، بکارگیری این راه حل و مصمم شدن به ارتقاء ظرفیت روانی، باعث رفع مشکلات خواهد شد و در صورت وجود مشکل خاص بینش متعالی فرد بگونه‌ای وارد عمل می‌شود که متناسب با مشکلات جاری تصمیم‌های معقول و منطقی اتخاذ نماید. اهمیت ویژه این راه حل در آن است که میزان اطلاعات و بینش‌های آدمی توانائی آن را دارد که عامل وراثتی را تحت تاثیر قرار دهد. چگونگی کاربرد بالا بردن ظرفیت روانی بعنوان یک اقدام پیشگیری کننده از الزامات کار مربیان و مشاوران به حساب می‌آید

، آنها طی مشاوره های گروهی و فردی باید در ارتقاء سطح اطلاعات و آگاهی های فراگیران بکوشند و با ارائه بینش های صحیح و اصولی رفتار های مناسب دانش آموزان را تضمین کنند و هنگامی که به مشکلات فردی دانش آموزان برخورد می کنند ، اصلاح و تغییر بینش فردی آنان مورد توجه قرار گیرد. در صورتی که مشکلات بوجود آمده مربوط به والدین و دیگر نیروهای محیطی زندگی کودک باشد ، باید تلاش گسترده ای را جهت تغییر بینش والدین به کار گرفت و آنها را مصمم به سالم سازی محیط تربیتی زندگی نمود. در چنین موقعیتی مشکلات مدارس کاهش خواهد یافت و دانش آموزان به تعادل بیشتری خواهند رسید ، و فعالیت های علمی و آموزشی مدارس رونق خاصی خواهد یافت . میزان کارائی و نتایج استفاده از این راه حل نتایج حاصله از بکار گیری این شیوه در حل مشکلات رفتاری ، میزان سودمندی این راه حل را تایید نمود، به این معنی که عمده مسائل و مشکلات دانش آموزی ، از طریق مشاوره های هدفمند ، مرتفع گردید ، به علاوه روشی قوی و مناسب برای برخورد های اساسی و اصولی با موقعیت های جدید به حساب آمد، زیرا دانش آموزانی که تحت تاثیر این راه حل قرار گرفتند ، خود کفائی و اعتماد به نفس لازم را در حل مشکلات خویش به دست آورده و کمتر نیازمند مراجعه های بعدی بودند. پی نوشت - مانند والدینی که به سبب عادت و پذیرش روش های قدیمی تربیت کودکان ، شیوه های تربیتی آموزشگاه را قبول نداشته و یا والدینی که به نوعی تحت تاثیر شدید انحرافات و بزهکاری ها قرار گرفته و اقدامات کوتاه مدت اصلاح و تربیت ندامتگاهها در هدایت آنان مؤثر نباشد . - مشکل خاص (Particular difficult) به مصائبی گفته خواهد شد که برگشت پذیری فرد به حالت اولیه بسیار مشکل و شاید گفت که غیر ممکن خواهد بود ، مانند از دست دادن والدین ، اعتیاد شدید، فقر و مرض ، معلولیت های جانکاه و ... - The balance in Academic talent - Attitude - Gentic - human behavioral structure - Mental capability - مانند معلم زود جوشی که برابر یافته های تربیتی به این درک می رسد که تصمیم های عجولانه از دقت لازم برخوردار نبوده و پشیمانی بدنبال خواهد داشت ، لذا هنگامی که با مشکلی رنجش آور روبرو می شود سعی می کند صبر و بردباری از خود نشان دهد . - این بینش در محور هستی شناسی ، دنیا شناسی ، خلقت شناسی ، تاریخ و معاد شناسی ، تصویر مناسی از هدف زندگی ، برخورد با مشکلات و روش زندگی در مسیر حق طلبی انسانی را ارائه خواهد نمود . - طرح تفصیلی این روش در حل مشکلات رفتاری با مستندات و مثالهای مناسب توسط نگارنده تدوین شده است .

دانش آموزان به عنوان آینده سازان جامعه ، افرادی حساس با ویژگی های منحصر به فردی هستند که قسمت عمده شخصیت آنها ، در همین دوران نوجوانی و در کانون همین کلاس ها و در مدارس شکل می گیرد. توجه به ویژگی های منحصر به فرد و نیر خصوصیات عمومی دانش آموزان و ایجاد بستری مناسب برای آموزش آنها ، می تواند گره از بسیاری از مشکلات بعدی باز کند. نگاهی گذرا به ویژگی های رفتاری شاگردان ما را به تعدادی از ویژگی های روانی سوق می دهد.

اضطراب

علی رغم باور عمومی ، اضطراب به معنی واقعی کلمه ، عاملی مشکل ساز نیست، بلکه عامل بسیاری از پیروزی ها می باشد. فرد بدون داشتن اضطراب نمی تواند به موقعیت های بهتر و موثرتر برسد. اما نوع شدید آن که غیر قابل تحمل باشد، برای فرد ایجاد مشکل خواهد کرد. اضطراب در واقع ، واکنش در مقابل خطری که وجود خارجی ندارد، می باشد. می توان فردی را در نظر گرفت که با وجود داشتن فرصت کافی باز هم مسیرش را تا مقصد می رود که مبادا دیر برسد.

و یا دانش آموزی که درس خود را خوبی یاد گرفته اما از ترس فراموش کردن بطور مداوم ناخن های خود را می جود. به این ترتیب اضطراب برای دانش آموز مانند مرض می شود و در صورت عدم مقابله صحیح با آن تبدیل به یکی از خصوصیات او می شود و حتی ممکن است اقدام بی موقع در جهت رفع این مشکل کمکی به ما نکند. یک معلم یا پدر و مادر آگاه خیلی زود می تواند کودک یا نوجوان پر خاشگر را تشخیص دهد. رنگ او همواره پریده و خودش نگران است. ضربان قلبش شدید می باشد و میل به پر خاشگری دارد.

باید این سوال را برایش ایجاد کنیم که وقتی خطری وجود ندارد، چرا باید واکنش وجود داشته باشد؟ بنابراین اقدام نخست ایجاد آگاهی است که هیچ خطر خارجی که عامل این حالت ترس کاذب شده، وجود ندارد. قدم بعدی مطمئن ساختن فرد از عواقب این مسئله است. باید یک فرد مضطرب را اندک اندک از موقعیت اضطراب‌آورش دور کنیم و به او اطمینان بدهیم که نگرانی بیش از اندازه واقعا لازم نیست در صورت پاسخ ندادن فرد باید از والدین او کمک بگیریم.

خود کم‌بینی

خود کم‌بینی در تضاد با اعتماد به نفس و یکی از موانع بزرگ رشد شخصیت یه شمار می‌رود. فردی که فکر می‌کند کمتر از دیگران است و چیزی برای عرضه ندارد، در واقع دارای عقده خود کم‌بینی است. او در مسابقه‌ای شرکت نمی‌کند، از بازی‌های دسته جمعی گریزان است و از این رو در مقام مقایسه با دیگران احساس وحشت می‌کند. وظیفه یک معلم در برابر دانش آموز خود کم‌بین دشوار است.

او باید بتواند تشخیص دهد ناتوانایی‌های جسمی، نامناسب بودن لباس و حتی اسم در احساس خود کم‌بینی دخیل هستند. برای چنین مشکلی نباید به این کودکان به عنوان افرادی بیمار توجه نشان بدهیم، بلکه باید آنها را همانند سایر افراد بشماریم، تنها با این تفاوت که آنها یک مشکل قابل حل دارند. یک معلم توانا با دادن مسئولیت‌های قابل اجرا و در اندازه توان این افراد و با یاری کردن آنها در به سامان رسانیدن آن کار، لذت اعتماد به نفس و پیروزی را به فرد می‌چشاند.

احساس مهم بودن

غالباً انسان‌ها دوست دارند ارزش واقعی‌شان توسط اطرافیان دریافته شود. شاید نتوان کسی را یافت که خود را از برخی جهات بهتر و برتر از دیگران بداند. البته بسیاری از افراد این میل درونی را آشکار نمی‌سازند، اما این بدان معنی نیست که چنین میلی وجود ندارد. افراد خود را مهم می‌دانند و سعی می‌کنند این مهم بودنشان هم برای خودشان و هم برای دیگران آشکار و روشن باشد. اگر معلم بتواند به این احساس افراد ارزش قائل شود و به آنها از صمیم قلب احترام بگذارد و یادآوری کند که واقعا با هوش، توانا و موثر هستند، هنر معلمی خود را ایفا کرده است. نباید یک کودک یا نوجوان را که به طرز ناشیانه ابراز وجود می‌کند، سرخورده کرد، بلکه باید به جنب و جوش و فعالیت او اهمیت داد. اهمیت به احساس مهم بودن و تقویت آن باعث می‌شود، طرف مقابلمان ما را به عنوان فردی منحصر بپذیرد و بدین وسیله ما نفوذ قابل ملاحظه‌ای بر روی او خواهیم داشت.

حسادت

حسادت در افراد مختلف و به اشکال متفاوت جلوه می‌کند. چشم هم‌چشمی و مبارزه و رقابت نتیجه داشتن همین صفت است. حسادت می‌تواند مبنای بسیاری از پیروزی‌ها هم باشد، به شرط آنکه فرد به نسبت معمول و متعارفی این خصیصه را داشته باشد. اغلب دانش‌آموزان به دوستان صمیمی خود حسادت می‌کنند و دوست دارند همیشه نمره خودشان از نمره او بیشتر باشد و این عاملی در ایجاد رقابت بین دو نفر می‌باشد. ممکن است سوال اشتباه دوستش را که معلم متوجه نمی‌شده است، او بدهد. یک معلم نباید در اندیشه سرکوب این صفت باشد، بلکه باید بتواند این ویژگی را در مسیر صحیح خود هدایت کند. اصولاً نقش یک معلم در پرورش افراد باید نقش هدایت‌کننده باشد نه راهبرنده.

یک معلم می‌تواند حس رقابت و حسادت را در گروه‌ها ایجاد کند. مثلا بدین ترتیب که افراد کلاس را در گروه‌های خاصی تقسیم کند. یادگیری در گروه‌ها به اختیار باشد. سپس نامی را که هر گروه برای خود می‌پسندد برای آن گروه انتخاب کند. سپس به طور غیر مستقیم به ایجاد رقابت در این گروه‌ها بپردازد. او می‌تواند نمرات تمام افراد گروه جمع کرده و از آنها میانگین بگیرد و عدد بدست آمده را به عنوان نمره یک گروه در نظر بگیرد.

اعتماد به نفس

شناخت مثبت و سازنده که هر فرد از خود دارد، اعتماد به نفس می‌باشد. اعتماد به نفس به فرد کمک می‌کند تا نیروی درونی خود را به خوبی شناخته و از آنها در جهت شکوفایی استعدادها و بهبود زندگی خود بهره‌برد و فردی که اعتماد به نفس دارد در مقابله

با مشکلات خود را نمی‌بازد و استقامت و پشتکار فراوانی از خود نشان می‌دهد. او در شرایط دشوار همواره خود را آماده نشان می‌دهد. و همواره دارای این تصور است که بهتر از هر کسی از عهده کارها بر می‌آید یک معلم در کلاس درس بدون شک با چنین افرادی مواجه خواهد شد. عدم توجه به این صفت باعث می‌شود، دانش آموز از معلم خود دور شود.

او دارای اثری نهفته‌ای است که باید توسط معلم و در جهت مثبت آزاد شود. می‌توان با دادن مسئولیت نمایندگی کلاس به فرد این احساس او را ارضا کرد. در مقابل افرادی هم هستند که اعتماد به نفس آنها بسیار ضعیف است، این ضعف را هم می‌توان جبران کرد. یک معلم نباید دانش‌آموزی را که جسارت خودنمایی ندارد به حال خود رها کند. او باید در مقابل هر اظهار وجود دانش‌آموز خجل و سر به زیر او را در یک موقعیت دلپذیر قرار دهد. این موقعیت دلپذیر نقش تقویت‌کننده مثبتی را ایفا می‌کند که باعث می‌شود فرد رفتار دلیرانه را تکرار کند.

بی‌بند و باری

هر معلمی در کلاس درس خود با عده‌ای دانش‌آموزان نامرتب و بی‌بند و بار مواجه می‌شود. این بی‌بند و باری مطمئناً ریشه در بسیاری از عوامل دارد. یک معلم متعهد باید از خود سوال کند چه عاملی باعث می‌شود عده‌ای از شاگردان دیر سر کلاس حاضر شوند؟ چگونه می‌شود که حرف‌های من اثری در رفتار بعضی‌ها ندارد؟ چرا عده‌ای مخالف قوانین مدرسه لباس می‌پوشند و سر و وضع خود را می‌آرایند؟

این گونه رفتارها در واقع از خانواده، جامعه، زندگی خصوصی و حتی دوستان فرد تاثیر پذیرفته است. تعهد و مسئولیت معلم در قبال این گروه از دانش‌آموزان بسیار زیاده‌تر است. او باید مانند یک روانکاو شاگردش را روانکاو کند. او باید خانواده و دوستان شاگردش را بشناسد. اگر چه این کار فرصت حوصله بسیاری می‌خواهد، اما از آنجایی که تربیت یک انسان، با ویژگی‌های انسانی کار پراهمیتی است، توجه به این نوع ناهنجاریها و کمک به حل و رفع آنها می‌تواند بسیار لذت‌بخش باشد. بی‌بند و باری، اگر زود تشخیص داده و مهار نشود، بزهکاری را بدنبال خواهد داشت.

پرخاشگری

فردی که جایگاه خود را در این دنیا به درستی دریافته است، کسی که از نعمت یک خانواده آرام و منسجم محروم است، کسی که طعم طلاق و جدایی پدر و مادر چشیده، کسی که همیشه بدلیل فقر فرهنگی و اقتصادی همیشه تحت فشار بوده، پرخاشگر، خود آزار و دیگر آزار می‌شود. او می‌خواهد از تمام دنیا بخاطر بی‌رحمی‌هایش و بخاطر توزیع ناعادلانه امکانات انتقام بگیرد. باید به این افراد بیاموزیم که عملاً و واقعاً همه انسان‌ها نمی‌توانند از سهم یکسانی در این دنیا بهره‌مند شوند. و برای مقابله با این تفاوت‌ها نباید در پی انتقام از کسی بود. بلکه باید سعی کنیم در سایه تلاش و کوشش موقعیت خود را بالا ببریم و به موقعیتی که در حسرتش بودیم، برسیم. همچنین می‌توان با خانواده فرد پرخاشگر صحبت کرد تا شاید راهی برای بهبود روابط آنها پیدا کرد. چرا که حتماً این پرخاشگری ریشه‌ای هم در خانواده دارد. از آنجا که ناهنجاری عوامل نامحدودی دارد، یک معلم نمی‌تواند همه را از بین ببرد، ولی می‌تواند در رفع پیامدهای آن نقش موثری داشته باشد و حداقل امکان آن را تقلیل دهد.

نتیجه بحث

دانش‌آموزان به عنوان آینده سازان جامعه، افرادی حساس با ویژگی‌های منحصر به فردی هستند که قسمت عمده شخصیت آنها، در همین دوران نوجوانی و در کانون همین کلاس‌ها و در مدارس شکل می‌گیرد. توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد و نیر خصوصیات عمومی دانش‌آموزان و ایجاد بستری مناسب برای آموزش آنها می‌تواند گره از بسیاری از مشکلات بعدی باز کند. مدارس باید جای امنی برای فراگیران باشد. به گونه‌ای که دانش‌آموز در آنجا احساس راحتی کند. جلسه امتحان نباید صورت باز خواست، اضطراب آور و تنش‌زا باشد.

رابطه مدرسه با اولیا کودکان باید بهبود یابد و پدر و مادر باید عوامل قابل ذکر کودکانشان را به معلم و مسئولان مدرسه توضیح دهند، تا شاید به این وسیله یک ارتباط مناسب بین شاگرد، مدرسه و والدین برقرار شود. و آخر اینکه سازمان آموزش و پرورش

بهتر است افرادی را به عنوان معلم جذب کند که به روانشناسی و علوم تربیتی آشنا باشد و معلمان نیز بعد از حضور در کلاس تمام موارد جانبی زندگی خود را کنار گذاشته و به ایفای وظیفه و تعهد خود بپردازند.

منابع:

www.roshd.ir - رشد

رفتار یک دانش آموز نابهنجار، نیازی راد، منصور، نشر ملی، ۱۳۸۵